



**مشاوره‌های پیش از طلاق به مثابه نوشداروی بعد از مرگ سهراب است و تجربه نشان می‌دهد کمتر زوجی با مشاوره‌های پیش از طلاق به زندگی مشترک‌شان بازگشته‌اند!** بنابراین شاید بهتر باشد اولویت را به مشاوره‌های پیش از ازدواج داد و همچنین زوج‌های جوان را در سال‌های نخست زندگی‌شان همراهی کرد تا به سلامت از پنج سال نخست و بحرانی و لغزنده زندگی عبور کنند

## «مشاوره‌های پیش از طلاق» نوشدارویی که شفا نمی‌بخشد

از هر ۳ ازدواج در سال ۱۴۰۰ یک مورد به طلاق منجر شده که ۸۰ درصد این طلاق‌ها توافقی بوده!

این نشان می‌دهد مشاوره‌های پیش از طلاق مؤثر نیست و باید بر مشاوره‌های پیش از ازدواج و سال‌های نخست زندگی متمرکز شد

### زهرا چیذری

هنوز یک سال از ازدواج‌شان نمی‌گذشت که حالا با توافق یکدیگر راهی دادگاه شده بودند تا از هم طلاق بگیرند! اختلافات‌شان از همان روزهای نخست زندگی آغاز شد. اصلاً انگار این دو نفر نیمه‌گمشده یکدیگر نبودند و رفته‌رفته این اختلافات روز به روز گسترده‌تر شد تا جایی که احساسی کردند دیگر نمی‌توانند مسیر پیش‌رو را در کنار هم ادامه دهند و به پایان راه رسیده‌اند. رسیدن به پایان اما تنها توافقی آنها در زندگی مشترک‌شان بود و به همین خاطر هم توافق کردند از هم جدا شوند! پایان راه بر خلاف آغاز راه که به یک مشاوره چند ساعته و فرمالیته خلاصه می‌شد. برای‌شان مراجعه به جلسات مشاوره قبل از طلاق

تجویز شد تا شاید راه‌شان دوباره به هم پیوند بخورد و بتوانند زندگی مشترک‌شان را ادامه دهند. اما انگار کمی برای این مشاوره‌ها دیر است! مشاوره‌هایی که شاید اگر پیش از ازدواج و نشستن بر سر سفره عقد و رفتن زیر یک سقف رخ می‌داد، انتخاب‌بهتری داشتند یا زندگی‌شان را حساب‌شده‌تر و با توجه به تفاوت‌ها، تضادها و همچنین نقاط مشترک برنامهریزی می‌کردند و پیش‌می‌بردند، ولی حالا و وقتی به پایان راه رسیده‌اند و پرده‌های میان‌شان فرو ریخته و احساس می‌کنند مسیر زندگی‌شان از یکدیگر جداست، انگار این مشاوره‌ها به نوشداروی بعد از مرگ سهراب می‌ماند و نمی‌تواند آنها را برای ادامه این مسیر دوباره به یکدیگر پیوند دهد. دفتر مشاوره‌ای هم که با تأکید دادگاه برای طی مراحل طلاق

تجویز شد تا شاید راه‌شان دوباره به هم پیوند بخورد و بتوانند زندگی مشترک‌شان را ادامه دهند. اما انگار کمی برای این مشاوره‌ها دیر است! مشاوره‌هایی که شاید اگر پیش از ازدواج و نشستن بر سر سفره عقد و رفتن زیر یک سقف رخ می‌داد، انتخاب‌بهتری داشتند یا زندگی‌شان را حساب‌شده‌تر و با توجه به تفاوت‌ها، تضادها و همچنین نقاط مشترک برنامهریزی می‌کردند و پیش‌می‌بردند، ولی حالا و وقتی به پایان راه رسیده‌اند و پرده‌های میان‌شان فرو ریخته و احساس می‌کنند مسیر زندگی‌شان از یکدیگر جداست، انگار این مشاوره‌ها به نوشداروی بعد از مرگ سهراب می‌ماند و نمی‌تواند آنها را برای ادامه این مسیر دوباره به یکدیگر پیوند دهد. دفتر مشاوره‌ای هم که با تأکید دادگاه برای طی مراحل طلاق

تجویز شد تا شاید راه‌شان دوباره به هم پیوند بخورد و بتوانند زندگی مشترک‌شان را ادامه دهند. اما انگار کمی برای این مشاوره‌ها دیر است! مشاوره‌هایی که شاید اگر پیش از ازدواج و نشستن بر سر سفره عقد و رفتن زیر یک سقف رخ می‌داد، انتخاب‌بهتری داشتند یا زندگی‌شان را حساب‌شده‌تر و با توجه به تفاوت‌ها، تضادها و همچنین نقاط مشترک برنامهریزی می‌کردند و پیش‌می‌بردند، ولی حالا و وقتی به پایان راه رسیده‌اند و پرده‌های میان‌شان فرو ریخته و احساس می‌کنند مسیر زندگی‌شان از یکدیگر جداست، انگار این مشاوره‌ها به نوشداروی بعد از مرگ سهراب می‌ماند و نمی‌تواند آنها را برای ادامه این مسیر دوباره به یکدیگر پیوند دهد. دفتر مشاوره‌ای هم که با تأکید دادگاه برای طی مراحل طلاق

تجویز شد تا شاید راه‌شان دوباره به هم پیوند بخورد و بتوانند زندگی مشترک‌شان را ادامه دهند. اما انگار کمی برای این مشاوره‌ها دیر است! مشاوره‌هایی که شاید اگر پیش از ازدواج و نشستن بر سر سفره عقد و رفتن زیر یک سقف رخ می‌داد، انتخاب‌بهتری داشتند یا زندگی‌شان را حساب‌شده‌تر و با توجه به تفاوت‌ها، تضادها و همچنین نقاط مشترک برنامهریزی می‌کردند و پیش‌می‌بردند، ولی حالا و وقتی به پایان راه رسیده‌اند و پرده‌های میان‌شان فرو ریخته و احساس می‌کنند مسیر زندگی‌شان از یکدیگر جداست، انگار این مشاوره‌ها به نوشداروی بعد از مرگ سهراب می‌ماند و نمی‌تواند آنها را برای ادامه این مسیر دوباره به یکدیگر پیوند دهد. دفتر مشاوره‌ای هم که با تأکید دادگاه برای طی مراحل طلاق

تجویز شد تا شاید راه‌شان دوباره به هم پیوند بخورد و بتوانند زندگی مشترک‌شان را ادامه دهند. اما انگار کمی برای این مشاوره‌ها دیر است! مشاوره‌هایی که شاید اگر پیش از ازدواج و نشستن بر سر سفره عقد و رفتن زیر یک سقف رخ می‌داد، انتخاب‌بهتری داشتند یا زندگی‌شان را حساب‌شده‌تر و با توجه به تفاوت‌ها، تضادها و همچنین نقاط مشترک برنامهریزی می‌کردند و پیش‌می‌بردند، ولی حالا و وقتی به پایان راه رسیده‌اند و پرده‌های میان‌شان فرو ریخته و احساس می‌کنند مسیر زندگی‌شان از یکدیگر جداست، انگار این مشاوره‌ها به نوشداروی بعد از مرگ سهراب می‌ماند و نمی‌تواند آنها را برای ادامه این مسیر دوباره به یکدیگر پیوند دهد. دفتر مشاوره‌ای هم که با تأکید دادگاه برای طی مراحل طلاق

### نظر کارشناس

### همراهی معاونت امور زنان و خانواده با زوج‌های جوان در ۴ سال نخست

معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری از آغاز به کار خود در دولت سیزدهم، دو طرح مهم را در حوزه آسیب‌های اجتماعی شروع کرد که یک طرح در حوزه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی با تمرکز بر طلاق و یک طرح دیگر در حوزه اشتغال است. طرح حوزه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی تحت عنوان مشاوره فعال و پیشگیرانه خانواده برای زوجین نوپا در چهار سال اول زندگی مشترک است که این طرح با هم‌افزایی دستگاه‌هایی همچون سازمان بهزیستی که دارای نهاد و رکن مشاوره هستند، کلید خواهد خورد. به همین منظور جلسات اولیه اجرای این طرح مهم در حوزه آسیب‌های اجتماعی برگزار و همچنین موافقت دستگاه‌های متولی برای اجرای طرح گرفته شده است و برای این موضوع هم نیز پلن‌فرمی به شکل سامانه جامع مشاوره طراحی خواهد شد. برنامهریزی برای اجرای این طرح در مرحله اولیه با سازمان بهزیستی کلید می‌خورد و مشاوران امر نیز وارد پلت‌فرم معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری می‌شوند و با صلاحیت‌هایی که این معاونت در نظر گرفته است، برای زوج‌هایی که تازه از ازدواج کرده و مراحل ثبت ازدواج آنها طی می‌شود، مشاوره



توافقی به آن مراجعه کردند، وقتی اصرارشان را برای جدایی دید، راضی شد پای برگه‌شان را امضا کند و گواهی بدهد «این زوج به پایان راه رسیده‌اند و به درد نمی‌خورند!» این پایان تلخ تجربه یک زوج از هر سه زوجی است که در سال ۱۴۰۰ باهم از دواج کرده‌اند و یکی شده‌اند تا ادامه مسیر زندگی را در کنار هم ببینند اما توفیقی نصیب‌شان نشده است! خلاصه اینکه آمارهای طلاق در کشور مان به شکل هشدار دهنده‌ای رو به تازید است و این چالش می‌تواند تمام برنامهریزی‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد و در کنار چالش‌های فردی و آسیب‌هایی که برای زوج‌های جوانی که از هم جدا می‌شوند شکل می‌گیرد، آمار روزافزون طلاق و جدایی کانون خانواده و فرزندآوری را هم دچار چالش می‌کند.

از احتمال طلاق منتهی شود؟! آقای علوی هم چند سالی می‌شود از ازدواج کرده است. به گفته وی نیز جلسه مشاوره قبل از ازدواج در آخرین مرحله ازدواج یعنی همان روز انجام آزمایش خون انجام می‌شود و در جلسه‌ای گروهی با حضور چندین زوجی که آمده‌اند تا آخرین مرحله ازدواج و عقدشان را هم بگذرانند، مشاور بیشتر روی موضوعات بهداشت باروری متمرکز می‌شود و فضای کلی جلسه هم به گونه‌ای است که هیچ کس به حرف‌های مشاور گوش نمی‌دهد و تقریباً همه منتظرند این مرحله تشریفاتی را بگذرانند، جواب آزمایش‌شان بیاید و به دنبال کارهای مراسم عقد و عروسی باشند!

در کنار این مشاوره اجباری یکی دو ساعته قبل از ازدواج و تا کارآمدی آن، زوج‌ها و خانواده‌ها کمتر خودشان برای اطمینان از درست‌ی انتخابشان به مشاور مراجعه می‌کنند، چون هم هزینه‌های مراجعه به مشاور بالاست و هم فرهنگ این کار در جامعه ما جا نیفتاده است. از همه مهم‌تر اینکه گاهی اوقات نظرات مشاوران با یکدیگر متفاوت است، نه، متضاد است!

### اظهارات متناقض بعضی مشاوره‌ها

خانم محمدی پیش از ازدواج هفت سالی می‌شود از ازدواج کرده‌اند. این زوج یکی از معدود زوج‌هایی هستند که برای ازدواج‌شان به چندین مشاور مراجعه کرده و با این نظرات متفاوت و متضاد مواجه شده‌اند.

خانم محمدی پنج سال از همسرش بزرگ‌تر است و این تفاوت سنی و مخالفت پدر همسرش با این ازدواج آنها را به مشاوره‌های مختلفی کشانده بود که اغلب‌شان با ازدواج آنها به دلیل بزرگ‌تر بودن خانم از آقا چندن موافق نبودند. خانم محمدی به «جوان» می‌گوید: «طی مراجعه به مشاوران مختلف یکی از مشاوران نه فقط با ازدواج ما مخالفت نکرد بلکه گفت این مسئله هیچ مشکلی در زندگی مشترک شما ایجاد نمی‌کند و حتی می‌تواند به بهبود زندگی‌تان کمک کند. بر این اساس بود که خانواده‌ها هم به ازدواج ما راضی شدند و حالا هفت سال است ما در کنار هم زندگی می‌کنیم، فرزند سی سه ساله داریم و از زندگی‌مان خیلی راضی هستیم.» آقای محمدی هم حرف‌های همسرش را تأیید می‌کند و ادامه می‌دهد: «اگر ما به حرف مشاورانی که می‌گفتند حتماً باید خانم از آقا کوچک‌تر باشد یا هم‌سن باشند یا فاصله سنی پنج سال مناسب نیست، گوش کرده بودیم حالا همدیگر را نداشتیم.»

**مشاوره پیش از ازدواج یک جلسه، مشاوره پیش از طلاق ۵ جلسه!**

بر خلاف روال فرمالیته و فرمایشی مشاوره‌های پیش از ازدواج اما ماجرای مشاوره‌های پیش از طلاق معمولاً جدی‌تر است. برای انجام طلاق توافقی لازم است زوجین حداقل پنج جلسه پیش مشاور بروند. از ابتدای آذرماه سال ۹۷، ثبت کردن دادخواست طلاق توافقی منوط به این شد که زوجین به یکی از مراکز مشاوره خانواده اداره بهزیستی بر اساس شهر محل سکونت خود که بر اساس سامانه تصمیم طلاق به آنها معرفی شده است، مراجعه حضوری و تقاضای خود را برای طلاق توافقی مطرح کنند. بعد از این باید فرم‌های دریافتی را تکمیل کنند تا به یکی از مراکز مشاوره معرفی شوند. تعداد جلسات مشاوره در طلاق توافقی ۴۵ روز کاری زمان خواهد برد که در این مدت حداقل سه جلسه باید برگزار شود، تعداد این جلسات به طور معمول پنج جلسه خواهد بود.

طبق ماده ۱۱ این‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده در صورت عدم حصول توافق کلی زوجین نسبت به شرایط مقرر بین طرفین، گزارش اقدامات انجام شده و مشروح مذاکرات از جمله اظهارات آنها و نقاط قوت، ضعف و موارد توافق و نظر مرکز فوق پیرامون موضوع را به دادگاه ارائه می‌دهد تا دادگاه مطابق قانون رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند.

**نوشداروی بعد از مرگ سهراب!**

مشاوره‌های پیش از طلاق به مثابه نوشداروی بعد از مرگ سهراب است و تجربه نشان می‌دهد کمتر زوجی با مشاوره‌های پیش از طلاق به زندگی مشترک‌شان بازگشته‌اند! بنابراین شاید بهتر باشد اولویت را به مشاوره‌های پیش از ازدواج داد و همچنین زوج‌های جوان را در سال‌های نخست زندگی‌شان همراهی کرد تا به سلامت از پنج سال نخست و بحرانی و لغزنده زندگی عبور کنند. با عبور از این پنج سال به نظر می‌رسد بتوان از سلامت یک زندگی و ادامه مسیر مطمئن‌تر بود. حالا انطور که آن‌سبیه خلعی، معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری خبر می‌دهد این معاونت در راستای پیشگیری از طلاق در نظر دارد خدمات روانشناسی و مشاوره رایگان به تمام زوجین طی یک سال نخست زندگی مشترک ارائه دهد. بر اساس این طرح، مشاوره‌های پس از ازدواج که طی یک سال اول برای همه زوجین رایگان است، برای دهک‌های پایین در سه سال بعد نیز رایگان خواهد بود.

### جمعیت‌پایدار



### اجاره به شرط سه نفره بودن!

مهدی نیک‌ضمیر مسکن نه فقط یکی از ملزومات ازدواج، بلکه از ملزومات فرزندآوری است و هر قدر بنا باشد تعداد فرزندان بیشتر باشد، داشتن یک مسکن مناسب با مترز مناسب برای زندگی یک خانواده دست‌کم پنج نفره یکی از ضروریاتی است که کمتر به آن توجه شده است و تقریباً تدبیری برایش وجود ندارد. این در حالی است که تغییر در سیاست‌های جمعیتی و تأکید بر افزایش تعداد فرزندان لاجرم نیازمند تغییراتی در سبک زندگی و نوع مسکن خانواده‌هاست. از نسوی دیگر در شهرهای بزرگ مسکن یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های مردم است و با افزایش سرسام‌آور قیمت زمین و مسکن و رشد تصاعدی اجاره خانه‌ها، خانواده‌ها نه فقط قادر به تهیه مسکن نیستند بلکه برای آنکه از پس هزینه اجاره مسکن بریابند، ناگزیر هر سال به خانه کوچک‌تری نقل مکان می‌کنند. از همه بدتر اینکه بسیاری از صاحبخانه‌ها برای اجاره دادن خانه‌شان شرط نفرات دارند و خیلی وقت‌ها به دنبال اجاره خانه به زن و شوهری بدون بچه هستند یا شرط حداکثر سه تا چهار نفر را برای اجاره دادن خانه‌هایشان به مستأجران می‌گذارند! در چنین شرایطی بدیهی است خانواده‌ها برای داشتن فرزند یا فرزندان بیشتر دغدغه‌هایشان به هزینه‌هایی همچون پوشاک و شیر خشک و هزینه‌های معمول لباس، مدرسه و هزینه‌هایی از این دست محدود نمی‌شود و دغدغه‌های بزرگ‌تری همچون دغدغه زمین و مسکن دارند و خانه به دوشی مستأجران و شرط و شروط صاحبخانه و دغدغه‌هایی از این دست خود می‌تواند مانعی بزرگ بر سر فرزندآوری به شمار بیاید، حتی اگر خانواده‌هایی دوست داشته باشند چندین فرزند داشته باشند و تک‌فرزندی یا دو فرزند برای‌شان مطلوب نباشد.

آپارتمان‌های کنونی که روز به روز هم از مترزاشان کم می‌شود و به ۳۰ متر هم رسیده‌اند، در بهترین حالت برای زندگی یک زن و شوهر با حداکثر دو فرزند تکافی می‌دهد و زندگی تعداد نفرات بیشتر در چنین شرایطی می‌تواند چالش برانگیز باشد. ریشه‌های رسوخ سبک زندگی آپارتمان‌نشین در این شکل و شمایل گسترده‌اش به دوران شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» بازمی‌گردد و این شکل و شمایل زندگی با شعارهای آن دوران سازگاری دارد.

با تغییر سیاست‌های جمعیتی به سمت فرزند کمتر زندگی بهتر در دهه ۷۰ شاهد تغییر در سبک زندگی و آپارتمان‌نشین به جای خانه‌های قدیمی‌ساز و حیاط‌دار بودیم. تغییری که با عنایت به تعداد یک تا دو فرزند اگرچه بازی و روند شد بچه‌ها یکی از دچار چالش می‌کرد اما در آن دوران به علت کمتر بودن تعداد فرزندان کمتر به چشم می‌آمد. در دهه‌های بعدی هم شاهد رشد زندگی شهری و به تبع آن رشد عمودی شهرها به شکل آپارتمان و برج‌های بلند و تبدیل یک خانه قدیمی ۲۰۰- تا ۱۵۰ متری به دست‌کم پنج، شش واحد آپارتمانی بودیم که این به معنای کوچک شدن فضای بازی و رشد کودکان است. از سوی دیگر فضای سبز و پارک هم در شهرهای بزرگی همچون تهران هم به اندازه کافی وجود ندارد و هم توزیع مناسبی ندارد تا بچه‌ها بخواهند با حضور در پارک‌ها فضای سبز محلات با بازی و جست‌وجوی مراحل رشد فیزیکی و روانی خود را طی کنند. در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در حوزه مسکن خانواده‌ها بعد از تولد فرزند سوم تمهیداتی اندیشیده و تسهیلاتی در نظر گرفته شده است، از جمله وام ۱۵۰ میلیون تومانی مسکن به خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر یا واگذاری یک قطعه زمین یا واحد مسکونی حداکثر به میزان ۲۰۰ مترمربع برای ساکنان در روستاها یا شهرهای کمتر از ۵۰۰هزار نفر پس از تولد فرزند سوم و بیشتر به صورت مشترک و باالمنافصه به پدر و مادر، در همان محل بر اساس هزینه آماده‌سازی فقط برای یک بار به صورت فروش اقساطی با دو سال تنفس و هشت سال اقساط که به سندی مالی است، پس از پرداخت آخرین قسط، ظرف حداکثر یک ماه، به مالکان تحویل داده می‌شود، اما با عنایت به شرایط اقتصادی کنونی پروض است که وام ۱۵۰ میلیون تومانی حتی در شهرهای کوچک نمی‌تواند برای خرید مسکن چندان گره‌گشا باشد یا در شهرهای کمتر از ۵۰۰هزار نفر، چالش نخبست خانواده‌ها زمین و مسکن نیست! حالا در آستانه هفتم جمعیت قرار داریم و همچنان جمعیت مسئله نخبست جامعه امروز ماست؛ موضوعی که باید و بین‌بیانه‌تر ابعاد مختلف آن را دید و تدبیر کرد.